

The role of urgency in civil liability in Iranian and British law

Abstract

Urgency is one of the cases that can be cited as examples of disclaimer, and in Iranian and British law, the literal meaning of urgency is not separate from its legal meaning. Civil liability in the legal system of any country is considered an important category that can be referred to as the responsibility of the government, judges, doctors, drivers, etc. Loss is the main pillar of urgency and civil liability and in this article, it is important to examine the urgency in terms of how to compensate damages in civil liability. Emergency conditions are effective in many contracts and may cause the suspension and termination of contracts and inaction. Obligations in the law and governments have issued special laws to address this situation and overcome the crises that threaten the country. Finally, it can be concluded that if a person harms another in an emergency, he is not absolved of responsibility at all, although the distressed person may be obliged to pay full compensation.

Keywords: Emergency, Civil Liability, Law, Disclaimer, Iran, UK

نقش اضطراب بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس

محسن رجب زاده^۱

علیرضا مظلوم رهنی^۲

علیرضا رجب زاده اصطهبانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۷

چکیده

اضطراب یکی از مواردی است که می‌توان از مصادیق رافع مسئولیت به آن استناد کرد و در حقوق ایران و انگلیس معنای لغوی اضطراب، جدای از مفهوم حقوقی آن نیست. مسئولیت مدنی در نظام حقوقی هر کشوری از مقوله‌های مهم قلمداد می‌گردد که می‌توان به مسئولیت دولت، قضات، پزشکان، رانندگان و... اشاره نمود. ضرر، اصلی‌ترین رکن اضطراب و مسئولیت مدنی است و در این مقاله اهمیت بررسی اضطراب از جهت چگونگی جبران ضرر و زیان در مسئولیت مدنی می‌باشد شرایط اضطراب در بسیاری از قراردادها تاثیر گذار است و ممکن است باعث تعلیق و فسخ قراردادها و عدم عمل به تعهدات در قانون شود و حکومت‌ها برای مقابله با این حالت و گذر از بحران‌هایی که کشور را تهدید می‌کند اقدام به صدور قوانین ویژه کرده‌اند که به آنها اشاره شده است. در نهایت میتوان نتیجه گرفت که اگر در شرایط اضطرابی شخصی به دیگری ضرر وارد کند رافع مسئولیت به طور مطلق نیست اگرچه ممکن است مضطر مکلف به جبران خسارت کامل باشد.

واژه‌گان کلیدی: اضطراب، مسئولیت مدنی، حقوق، رافع مسئولیت، ایران، انگلیس

^۱گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق خصوصی، شعبه قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. Mohsen_rajabzade51@yahoo.com

^۲گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق خصوصی، شعبه شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) drmazloom14@chmail.ir

^۳گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق خصوصی، شعبه قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. alirezarajabzade@gmail.com

اضطرار را حالتی گویند که تهدیدی در آن وجود نیست اما اوضاع و احوال برای انجام یک فعل، به شیوه ای هست که انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به آن عمل در زمان گذشته، آن کار را علی رغم میل باطنی خود لیکن از روی قصد و رضای خاصی در حال انجام می دهد و از اسباب معاف شدن شخص در قبال خسارات وارد به دیگری نیست، به عنوان قاعده ای کلی در حقوق اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است (حسینی عاملی، ۱۴۱۰، ص ۶۲). در فقه امامیه، صاحب جواهر در این باره می نویسد: «اگر شخصی کالای دیگری را به علت بیم جان او یا خود و یا دیگری (به دریا) بیندازد و در صورتی که مالک به او اذن نداده باشد، به دلیل قاعده اتلاف و غیر آن (از قواعد باب ضمان) ضامن است و در این نظر، بین کسانی که متعرض این مساله شده اند خلافتی ندیده ام» (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۳). در فقه عامه نیز بعضی از فقیهان بدین نکته تصریح نموده اند که اضطرار موجب از بین بردن حق غیر نمی شود (الاضطرار لا یبطل حق الغیر). بنابراین آنجا که شخص از روی ناچاری مال دیگری را تلف می کند، ضامن شناخته می شود (التمله، ۱۴۲۰). به نظر می رسد که از نظر حقوقی، استناد به قاعده اتلاف در مواردی که مضطر صرفاً باعث از بین بردن مال دیگری را فراهم کرده باشد نیز ممکن است. در اتلاف، از دیدگاه فقه، میان مباشرت و تسبیب تفاوتی وجود ندارد و فقط صدق تلف عرفی است که ایجاد مسئولیت می کند. بر این اساس، برای اینکه زیان دیده بتواند به مضطر مراجعه کند، اثبات رابطه علیت عرفی بین فعل او و زیان وارده به خود کافی است. (حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ص ۴۳۵). ممکن است توهمی ایجاد شود که برای نفی مسئولیت مضطر می توان به حدیث رفع در فقره (ما اضطروا الیه) استناد کرد، ولی حدیث یادشده در مقام امتنان به همگان وارد شده است (انصاری، ۱۴۱۰). با توجه به اینکه رفع مسئولیت از مضطر به دلیل تضييع حقوق زیان دیده، حکمی بر خلاف امتنان می باشد، باید بر این عقیده بود که حدیث رفع در این مورد کاری را که در شرایط عادی نامشروع است در وضعیت اضطراری مشروع می سازد و ناظر به مسئولیت مدنی نیست (محمصاتی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹) استدلال فوق مبتنی بر قاعده فقهی «الجواز الشرعی ینافی الضمان» است که در فقه عامه مطرح شده و مطابق آن موضوع ضمان منتفی است، هر کجا که اذن و اباحه شرعی وجود داشته باشد (البزنو، ۱۴۲۳، صص ۱۰۹-۱۱۰). در حقوق ایران نیز قانون گذار در یک موضع گیری موافق با فقه اسلامی چنین مقرر داشته است که در وضعیت اضطراری چنانچه شخص، مرتکب جرم شود مجازات نخواهد شد به رغم اینکه اضطرار را به عنوان عامل توجیه کننده فعل زیانبار مورد پذیرش قرار داده شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵). در حقوق انگلیس هرچند روشن نیست که آیا می توان برای مضطر مسئولیتی بر مبنای شبه عقد در نظر گرفت لیکن به نظر می رسد دادگاه ها در برخی موارد، نسبت به معاف کردن مضطر از جبران کلیه خسارات، چندان تمایلی از خود نشان نمی دهند و به دنبال این هستند که تا حدودی از شاکی زیان دیده رفع ضرر شود و غرامتی به او پرداخت شود. در این صورت، مسئولیت مضطر محدود به پرداخت بهای آن چیزی است که تلف کرده است. بی شک اضطرار، وصف تقصیر را از فعل زیانبار زدوده، اقدامی را که در وضعیت عادی، نامشروع و حرام است، مشروع و مباح می سازد. ولی آیا می تواند مضطر را از آثار و پیامدهای آن معاف سازد؟ در یک دیدگاه، اضطرار، رافع مسئولیت مدنی نیست و مضطر باید خسارات وارد به زیان دیده را جبران کند. هر چند در بعضی از نظامها به قضات اختیار تام داده شده که با رعایت موازین انصاف در میزان محکومیت خوانده تعدیل نمایند. بنابر دیدگاه دیگر، چون در موارد اضطرار، اقدام وارد کننده زیان برای دفع ضرر بزرگتر از خود یا دیگری است، اضطرار سبب معافیت شخص از مسئولیت مدنی است. قطع نظر از مبحث بالا که در جای خود حایز اهمیت است، اضطرار می تواند در برخی موارد،

تعهدات دیگری برای بعضی اشخاص ایجاد کند. تعهداتی که نمی‌توان آنها را در چارچوب مسئولیت مدنی مورد مطالعه قرار داد، بلکه باید برای توجیه آنها از دیگر مبانی ایجاد تعهد کمک گرفت. ما تلاش می‌کنیم تا ضمن بررسی این موضوع، در حد امکان، ابهاماتی را که در این زمینه وجود دارد بر طرف نماید. به نظر می‌رسد که انجام این تحقیق در عین حال که نقاط تاریک و مبهم قانون را بررسی می‌کند و آن‌ها را روشن می‌نماید ارتباط مسئولیت مدنی با قانون و تاثیر این دو را با هم روشن می‌سازد.

۲- مبانی نظری

در این قسمت به توضیح برخی از اصطلاحات به کار برده شده در این مقاله پرداخته می‌گردد. اضطرار و مسئولیت مدنی: اضطرار حالتی از ضرورت است، که می‌توان با تسامح از آن به اضطرار تعبیر کرد (نوربها، ۱۳۹۰، ص ۲۷۵). اضطرار از نظر آقای دکتر جعفری لنگرودی حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به آن کار به سابقه آن اوضاع و احوال آن کار را علیرغم میل باطنی خود ولی از روی قصد و رضای خاصی که آنرا در حقوق مدنی رضای معاملی می‌نامند آن معامله یا آن کار را انجام می‌دهد و این مقدار از رضا حداقل رضایی است که وجود آن شرط نفوذ عقد است. اضطرار صفتی است که در اثر شرایط تهدید آمیز و غیر قابل تحمل، مرتکب را به سوی فعل نادرست می‌کشاند (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸) فقها در تعریف اضطرار گفته‌اند: اضطرار آن چیزی است که بر آن نمی‌توان صبر کرد مثل گرسنگی (اردبیلی، ۱۳۷۹، ص ۳۳۰)، اضطرار با خوف بر اتلاف نفس، آبرو و مال خود یا دیگری که حفظ آن بر او واجب بوده متحقق می‌شود و یا ضرری است که عادتاً نمی‌توان تحمل کرد. مضطر کسی است که از تلف نفس خود با نفس محترم دیگری بترسد یا کسی است که اگر غذا نخورد خوف تلف او باشد (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۲۵۰). از مجموعه تعاریف لغوی و مفهومی اضطرار، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اضطرار حالت و وضعیت زیانباری است که انسان برای گریز از آن، ناچار، تن به حالت و وضعیت زیانبار دیگر می‌دهد. در حقوق کیفری هم با وجود برخی از احکام مربوط به اعمال اضطراری بیان گردیده است ولی تعریفی از مفهوم اضطرار در قوانین جزائی ارائه نشده است. عدم تعریف مشخص از مفهوم اضطرار در قوانین مدون، عاملی بوده است که حقوقدانان در بررسی این موضوع حقوقی، توجه ویژه‌ای نمایند. مفهوم اضطرار در حقوق کامن لا و انگلیس از مفهوم اضطرار در حقوق ایران فاصله چندانی ندارد. از نظر حقوقدانان و دکترین کامن لا، «اضطرار» عاملی است که با بروز آن، اجرای تعهدات، به‌طور نسبی، غیرممکن می‌شود. (برخلاف موارد «فورس ماژور» که مطلقاً امکان وجود ندارد)؛ زیرا در اضطرار، اجرای تعهد کاملاً «منتفی نیست، بلکه انجام آن با خطرات فوق‌العاده جانی همراه خواهد بود. در واقع یکی از علل موجه فعل زیانبار و دفاع‌های قابل پذیرش در دعوی مسئولیت مدنی، در حقوق انگلیس، اضطرار است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۹۰). در لغت کسی را مسئول می‌گویند که از وی سوال و بازخواست کند و آنچه انسان عهده دار و مسئول آن باشد را مسئولیت می‌گویند (معین، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳). در فقه و حقوق ایران نیز معنای مسئولیت را باید در کلمه ضمان جست و جو کرد در زبان عربی ضمان به معنی بر عهده گرفتن ملتزم شدن و کفیل شدن آمده است و در اصطلاح فقها در معانی مختلفی همچون تعهد و التزام بیان شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۲)، همچنین در حقوق انگلیس، مسئولیت به معنی عهده دار بودن و وظیفه داشتن به کار می‌رود. برای مثال هنگامی که گفته می‌شود الف مسئول نگهداری ب است یا الف مسئول مکاتبات شرکت است، کلمه مسئول به این معنی به کار رفته است (فرانکنا،

۱۳۸۱، ص ۱۵۵). در مسئولیت مدنی موضوع به این طریق بیان شده است که هر کس در اثر و نتیجه سهل انگاری و کلا در اثر تقصیر، خسارتی به دیگری وارد کند مسئولیت جبران خسارت وارد شده به عهده وی می باشد (خورشید، ۱۳۸۷، ص ۶۷).

مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس: امروزه در عرصه دعاوی یکی از مهم ترین بخش های حقوق مدنی، مسئولیت مدنی است. حوزه ی مزبور در عرصه حاضر اهمیت روز افزونی یافته است. در صورتی که شخصی با دیگری رابطه قراردادی نداشته باشد ولی به دیگری خسارت وارد کرده باشد به این شیوه میتوان به طور ساده مسئولیت مدنی را تعریف کرد. تمایل به کینه توزی و انتقام گیری در قبال ستمی که به فرد و جامعه وارد می شد، اساس کنش فردی و جمعی به شمار می رفت و جبران زیان و مطالبه خسارت اهمیت چندانی نداشت. اهمیت جبران خسارت به مرور جایگاه ویژه ای یافت و مفهوم مسئولیت کیفری به تدریج از مسئولیت مدنی تفکیک گردید. با رشد اندیشه اصالت فرد، متأثر از آموزه های فیلسوفان فردگرای قرن هفدهم فرانسه، برای نخستین بار در سال ۱۷۸۹ میلادی اصل مسئولیت مدنی توسط ژان دوما بنیان نهاده شد که در مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه مصوب سال ۱۸۰۴ میلادی متبلور گردیده است. ماده ۱۳۸۲: هر عمل انسان که به دیگری زیان برساند، کسی را که بر اثر تقصیر او زیان به بار آمده است ملزم می کند که آن زیان را جبران کند. ماده ۱۳۸۳ " هر کس نه تنها مسئول زبانی است که با عمل خود به بار می آورد بلکه مسئول زیان های ناشی از سهل انگاری یا بی احتیاطی خود نیز است (عسگرزاده، ۱۳۸۸). تاریخچه مسئولیت مدنی در حقوق انگلیس به سیاست قضایی مرتبط می شود و ریشه در قرن ۱۹ دارد قبل از ۱۹ قرن بحثی از تقصیر مطرح نبوده است در این قرن، بیمه به شدت محدود بوده و شخص خوانده هم مکلف بوده کل خسارات را پرداخت نماید.

مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری در ایران و انگلیس: در صورتی که فعل مجرمانه در قانون به عنوان جرم پیش بینی شده باشد اما در مسئولیت مدنی در قانون هم عمل جرم تلقی نشده باشد، صرف ورود خسارت باعث می شود برای طرف جبران خسارت در نظر گرفته شود، در این صورت مسئولیت کیفری ایجاد می شود. با این وصف محدوده مسئولیت مدنی بسیار گسترده تر از مسئولیت کیفری است. هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده است و کاری به دیگر افراد ندارد اما در مسئولیت کیفری هدف یک شخص نیست بلکه بجز مجازات شخص مجرم، اصلاح فرد و ایجاد نظم و امنیت و عدالت در جامعه است (نوربها، ۱۳۶۹). اهمیت جبران خسارت به مرور جایگاه ویژه ای یافت و مفهوم مسئولیت کیفری به تدریج از مسئولیت مدنی تفکیک گردید. با رشد اندیشه اصالت فرد، متأثر از آموزه های فیلسوفان فردگرای قرن هفدهم فرانسه، برای نخستین بار در سال ۱۷۸۹ میلادی اصل مسئولیت مدنی توسط ژان دوما بنیان نهاده شد که در مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۴ میلادی متبلور گردیده است. عوامل رافع مسئولیت کیفری تنها وصف مجرمانه و مسئولیت کیفری را زایل میسازد؛ اما مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است؛ چون دایره مسئولیت مدنی از اعمال مجرمانه وسیع تر است و به آن محدود نمیشود. در حقوق انگلیس بحث تفکیک میان مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری پس از تعریف مسئولیت مدنی Tort طرح می شود، زیرا در تعریف مسئولیت مدنی گفته می شود که این حوزه از حقوق به خطا و کارهای نادرست Wrong Doing اختصاص دارد و توده مردم حقوق جزا را با خطا مرتبط می دانند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶، ص ۳۶).

قواعد، ارکان و آثار اضطرار و مسئولیت مدنی: در ایران، از یک سو، شناخت ماهیت اضطرار و از سوی دیگر، شناخت مبانی نقش قاعده اضطرار در مسئولیت مدنی اشخاص، می تواند دلالت این قاعده بر نفی مسئولیت مدنی را تبیین کند. الف- استثنایی بودن قاعده اضطرار (شوشتری). ب- تقدیم قاعده اهم بر مهم. از آن جا که اقداماتی که اشخاص در جامعه انجام می دهند، از لحاظ درجه اهمیت، متفاوت اند، بایستی عیار اهمیت عمل مضطر در جامعه را، در مقابل خساراتی که بر اشخاص وارد می گردد، سنجید و در صورتی که اهمیت عمل وی، بر خسارت هایی که از جانب آن به غیر وارد می شود، غلبه کند، مقدم می گردد و می تواند زمینه های عدم مسئولیت مضطر در قبال خسارات را فراهم کرد (نساء/۱۳۵). در بیشتر موارد، مبنای اصل مسئولیت، تعیین غرامت بعد از تحقق و ثبوت مسئولیت است، اما با دقت در نقش این قاعده می توان علت تخفیف در جبران خسارت را، ناشی از نقش این قاعده در عدم ثبوت مسئولیت جبران خسارت به طور تام دانست بر این اساس، این قاعده به دو صورت، در رابطه با تبدیل مسئولیت تام به مسئولیت جزئی منشأ اثر است: ۱- تقسیم زیان میان مضطر و زیان دیده، ۲- قاعده استیفای بدون سبب و د- نقش قوای قاهره در سلب مسئولیت. در انگلیس، تا مدتها اضطرار فقط در رویه قضایی مستتر بوده و حقوق موضوعه صراحتی بر آن نداشته است.^۱ در کشور انگلیس متعاقب اظهارنظر شورای سلطنتی در دعوایی در سال ۲۰۱۱، سخن از اعمال این دکترین به میان آمده است. شورای سلطنتی مقرر نمود: اگر خواهان به دادخواهی و مطالبه غرامت در کشور قرقیزستان ملزم شود، در عمل خواهان قادر به دادخواهی در آنجا نخواهد بود (Whytock، ۲۰۱۳، P 2051).

۳- ارکان مسئولیت مدنی و اضطرار

مسئولیت مدنی شاید ناشی از فعل خود شخص باشد، یا ناشی از فعل غیر و ناشی از مالکیت اشیاء و سلطه بر آنها. برای تحقق مسئولیت مدنی جمع آمدن سه شرط لازم است که از میان آنها دو شرط در اقسام سه گانه مسئولیت مدنی یکسان و ثابت می باشند که عبارتند از: ضرر و رابطه سببیت. ولی از آنجا که این دو به تنهایی تعیین شخص مسئول را میسر نمی گردانند به عنصر سومی که متغیر است نیز نیازمندیم این عنصر را می توان فعل زیانبار نامید که بوسیله آن اقسام سه گانه مسئولیت مدنی از یکدیگر متمایز می شوند.

الف- اثر اضطرار در احکام تکلیفی: شک نیست که حدیث رفع در احکام تکلیفی جاری است و تفاوتی نیست میان اینکه حکم متوجه خود فاعل باشد یا فعل فاعل سبب توجه تکلیف به شخص دیگری شود؛ مثل سرقتی که موجب وجوب اقامه حد قطع ید برای حاکم می شود. همچنین فرقی میان اینکه فعل متعلق حکم باشد یا موضوع آن، وجود ندارد. در هر دو حالت، اثر اضطرار رفع حکم است؛ یعنی حرمت سرقت را از سارق و وجوب قطع ید را از حاکم بر می دارد.

ب- در احکام وضعی: فقها با تکیه بر امتنایی بودن حدیث رفع، شمول آن را به احکام وضعی، به جهت اینکه موجب مضیقه و مشقت امت می شود و این امر با امتنان منافات دارد، جاری ندانسته اند (خویی، ۱۴۱۷، ص ۲۶۶). به همین دلیل، مضطر را از حیث آثار وضعی مسئول دانسته، او را عهده دار جبران خسارات و ضرر و زیان ناشی از فعل اضطراری قلمداد کرده اند. در این میان، برخی از فقها در مواردی به اطلاق حدیث رفع استناد کرده اند؛ اما

^۱ Emergency jurisdiction: If this Code does not provide for jurisdiction in Switzerland and if proceedings abroad are impossible or cannot reasonably be required to be brought, the Swiss judicial or administrative authorities at the place with which the facts of the case are sufficiently connected shall have jurisdiction

با اندکی دقت ملاحظه می‌شود که اطلاق حدیث، مقید به مواردی است که در جهت امتنان بر امت باشد. در این صورت با رفع حکمت، حکم مرتفع نمی‌شود؛ چنانکه در خصوص زن مطلقه در صورت یقین به باردار نشدن هم قائل به وجود عده هستیم؛ زیرا اختلاط نسب، حکمت حکم است نه علت حکم (امام خمینی، ۱۴۲۲، ص ۷۷). سید محمد کاظم یزدی در این مورد می‌فرماید: «در اینکه اکراه و اضطرار، هر دو در رفع حکم تکلیفی مشترک‌اند اشکالی نیست. بنابراین، شرب خمر مکره و مضطر فی المثل حرام نیستند؛ اما به نسبت حکم وضعی متفاوت‌اند. اکراه، بر خلاف اضطرار، حکم وضعی را رفع می‌کند. بنابراین، حکم وضعی در اثر اضطرار مرتفع نمی‌شود؛ زیرا بر خلاف امتنان و توسیع بوده، بلکه موجب تضییق و مشقت می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰) آیت الله خوئی در این زمینه می‌فرماید: «رفع این عناوین، متی بر امت است. بنابراین، ضمان و مسئولیت مالی حاصل از فعل اضطراری به سبب حدیث رفع مرتفع نمی‌شود؛ زیرا رفع ضمان اتلاف، مخالف با امتنان نسبت به مالک است؛ گرچه در آن متی برای تلف‌کننده وجود دارد (خوئی، ۱۴۱۷، ص ۲۷۰). جمهور فقهای اهل سنت عقیده دارند که اگر کسی در اثر اضطرار، طعام متعلق به غیر را تناول کند ضامن است؛ چون اضطرار مبطل حقوق غیر نیست؛ اما شافعی قائل به عدم ضمان است. به اعتقاد وی اذن و ضمان با هم قابل جمع نیستند.

جبران خسارت به دو شیوه است خسارات پولی و خسارات غیر پولی. در حقوق انگلیس خسارات را به دو دسته خسارات پولی و خسارات غیر پولی تقسیم نحوه محاسبه غرامت می‌کنند. خسارات پولی مربوط به امور مالی است مانند از دست دادن درآمد به دلیل آسیب بدنی یا خسارت ناشی از خرید خانه بیش از قیمت واقعی مانند موردی که مشاور املاک با بی‌مبالاتی و بی‌دقتی عیوب خانه را مورد توجه قرار نداده است. خسارات غیر پولی نیز شامل درد و رنج پس از آسیب بدنی و از دست دادن توانایی لذت بردن از زندگی و آسایش می‌شود که معمولاً ناشی از خسارات بدنی هستند، هرچند به ندرت به مال نیز ارتباط دارند؛ به عنوان مثال در پرونده ای محاسبه خسارات پولی معمولاً ساده‌تر از خسارات غیر پولی صورت می‌گیرد، هرچند که پرونده‌هایی وجود دارد که با وجود تحقق خسارات پولی، اعمال اصل جبران کامل خسارت چندان ساده نبوده است (Johnson and Higgins, 2002). در حقوق انگلیس نیز گفته شده است که اصل جبران کامل خسارت اقتضاء می‌کند، زیان دیده نباید با پرداخت غرامت در وضعیت بهتری قرار گیرد و از وقوع حادثه دارا شود. واژه ضررهای شخصی شامل خسارتهای بدنی به شخص و بیماریها (اعم از بیماری‌های روانی است. محاسبه غرامت برای این ضررها به سادگی خسارت‌های وارد به مال نیست و نمی‌توان گفت چه مبلغی لازم است تا زیان دیده جایگزینی برای آنچه خسارت دیده و یا برای رفع نقص و عیب فراهم سازد (Elliott and Quinn, 2009, p 397). خسارت‌های وارد به شخص به دو بخش خسارتهای پولی و خسارتهای غیرپولی تقسیم می‌شود. خسارت‌های پولی شامل از دست دادن درآمد، هزینه‌های درمان و غیره می‌شود و خسارت‌های غیر پولی شامل امور ذهنی و ناملموس مانند از بین رفتن سلامت جسمانی، درد و رنج و ناراحتی‌های روانی می‌شود. دادگاهها برای هریک از خسارتها از عنوان مرسوم استفاده می‌کنند و در رأی خود معین می‌کنند که برای هر عنوان چه میزان غرامت تعیین نموده‌اند (Cooke, 2009, 514).

۴- توجیه تاریخی اضطرار و مسئولیت مدنی

حالت اضطرار همیشه علتی برای عدم مجازات بوده است. در کامن لا عدم کیفر مرتکب جرم ضروری بر اساس فقدان قصد مجرمانه قرار داشته است. در ماده ۴۳ قانون همورایی آمده است اگر زن شوهرداری گرفتار و مضطر

گردد و آذوقه ای در خانه برای سد جو نداشته باشد و به خاطر آن به مردی بیگانه پناه آورد قابل مجازات نیست. در حقوق کامن لا عدم مجازات مرتکب جرم ضروری بر اصل تعاون بین افراد قرار داشته است و به نظر می رسد که ضرب المثل ضرورت قانون نمی شناسد از حقوق کامن لاریشه گرفته است (نوربها، ۲۷۶). سابقه تاریخی مسئولیت مدنی را بایستی در حقوق روم جستجو کرد زیرا تاریخ حقوق رومیان از قرن هشتم قبل از میلاد آغاز شده و در قرن ششم بعد از میلاد و در زمان ژوستینین امپراطور روم پایان می پذیرد. پس حقوق مزبور مدت ۱۳ قرن از مراحل بسیار بدوی شروع شده و بتدریج در نتیجه پیشرفت افکار و پدید آمدن تأسیسات جدید اقتصادی و اجتماعی توسعه یافته و در قرن ششم بعد از میلاد به اوج خود میرسد (خورشید، ص ۶۹).

۵- تحت چه شرایطی اضطرار رافع مسئولیت مدنی است

راجع به نقش اضطرار در مسئولیت مدنی، دیدگاه کلی و اجمالی است که مضطر، با اینکه در ازای عمل اضطراری خود که مرتکب جرم یا جا شده است، بازخواست و تعقیب نخواهد شد و عقاب و عذابی هم متوجه ای نیست، ولی در مقابل خسارات و زیان‌هایی که به دیگران وارد می سازد، مسئول و ضامن است و معافیت او از کیفر، مانع از مسئولیتش در قبال خساراتی که به دیگران وارد کرده است، نمی شود. بنابراین، خصوصیت حالت اضطراری، این است که حکم تکلیفی، از دوش مضطر برداشته می شود، ولی اثر وضعی عمل اضطراری که همان «ضمان» است، همچنان به قوت خود باقی می ماند. مطابق با دیدگاه فوق که نظر غالب را تشکیل میدهد و اضطرار، نقشی در رفع مسئولیت مدنی از مضطر ندارد. ولی واقعیت این است که در احراز مسئولیت یا عدم مسئولیت مضطر، عوامل عدیده ای دخالت دارند که باید در تجزیه و تحلیل حقوقی موضوع مورد توجه قرار گیرند (امام خمینی، ۱۴۲۱). یکی از عناصر تشکیل دهنده مفهوم اضطرار این است که دفع ضرر ملازم با تحقق ضرر دیگر باشد، به گونه ای که جز با ارتکاب یک عمل زیانبار امکان دفع ضرر وجود نداشته باشد زیرا کسی که قادر به دفع ضرر است بدون اینکه مجبور به ارتکاب عمل زیانبار دیگر شود (آرامش، ۱۳۸۸).

۶- قوانین اضطراری کمکی برای مقابله با اضطرار

بروز شرایط فوق العاده در هر جامعه امری اجتناب ناپذیر است به همین علت حکومت‌ها برای مقابله با این حالت و گذر از بحران‌هایی که حیات جمعی ملت و یا امنیت ملی کشور را تهدید می کند اقدام به صدور قوانین ویژه کرده اند. این مسئله به قدری مسلم و طبیعی است که از لحاظ حقوق بین الملل نیز به رسمیت شناخته شده و حقوق مدنی و سیاسی به کشورها اجازه می دهد تا در صورت بروز حالت فوق العاده با شرایط خاص آن، بتوانند برخی از حقوق و آزادی‌های افراد را تعلیق نمایند. با توجه به برخورد و تعارض بسیار این اختیارات با حقوق و آزادی‌های افراد، لازم و ضروری است تا ویژگی‌های شرایطی که به دولت‌ها اجازه ی برقراری محدودیت‌های ضروری را می دهد مشخص گردیده، معین شود که این محدودیت‌ها تا چه حدی مجاز بوده و کدام حقوق و آزادی‌ها غیرقابل تعلیق می باشند. از سوی دیگر نهادهای مجری برقراری حالت اضطراری و نهادهای ناظر بر مجریان اختیارات فوق العاده باید به صورتی واضح مشخص گردد تا امکان پاسداری از حقوق و آزادی‌های اعضای جامعه به نحو شایسته فراهم شود. اصل ۷۹ به صراحت شرایط اضطراری را پیش بینی نموده و نهاد مجری اختیارات فوق العاده را بیان داشته، با توجه به بازنگری سال ۱۳۶۸ قانون اساسی و پیش بینی شورای عالی امنیت ملی، صلاحیت دو گانه ای برای تامین امنیت در جامعه ایجاد گشته است. با توجه به شدت

اهمیت این موضوع به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با حقوق ملت و جلوگیری از استبداد قوای حاکم بر جامعه، لازم و ضروری است که قوانین موجود در این ارتباط تفسیر و تبیین شده و حدود و ثغور صلاحیت هر نهاد به دقت تعیین گردد هر چند که در قانون اساسی مصادیق محدودیتهای ضروری ذکر نگردیده ولی قطع به یقین کرونا می تواند یکی از مصادیق آن باشد که با استفاده از ظرفیت این اصل می توان تصمیمات مهمی در اعمال محدودیتهای برای شهروندان وضع کرد!

۷- رویه قضایی حالت اضطرار در بحث مسئولیت مدنی

اهمیت رویه قضایی به خصوص در کشورهایی که اضطرار را صریحا در قوانین خویش نپذیرفته اند همچنین در کامن لا به مراتب از خود قانون بیشتر است زیرا تکلیف دعاوی که بر اساس اضطرار طرح یا از آن دفاع می شود در هر صورت باید معلوم گردد و جای خالی قانونی که بر اساس غفلت یا بی توجهی قانون گذاران به مفهوم اضطرار به وجود آمده باید به وسیله رویه قضایی پر شود دادگاه های انگلستان برای توجیه عمل مضطر در حالت اجبار روحی بوده و قدرت مقاومت نداشته است به همین مناسبت در رویه قضایی این کشور به نحوی که ملاحظه خواهد شد اصطلاحات اضطرار و اجبار غالبا به جای یکدیگر استعمال شده اند. معمول این است که قانون محل وقوع فعل زیانبار را حاکم می دانند. به عنوان مثال، اگر یک ایرانی در سفر به انگلستان، تصادف کند و آسیبی به وی وارد شود، قانون انگلستان حاکم به این دعوی و تعیین کننده میزان خسارت خواهد بود. با این حال، به دلیل سکوت قانونگذار ایران همانند سایر بحث های حقوقی، در این مورد نظرات متفاوتی ارایه شده است. یکی از پیشنهادات در این زمینه در مورد قانون محلی است که فعل زیانبار در آن رخ داده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹). مناسب ترین قانون، از میان قوانین معارض آن، قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی است که با توجه به اوضاع و احوال دعوی وضعیت و موقعیت عامل ورود زیان و زیان دیده، مناسب ترین قانون باشد. اهمیت رویه قضایی به خصوص در کشورهایی که اضطرار را صریحا در قوانین خویش نپذیرفته اند همچنین در کامن لا به مراتب از خود قانون بیشتر است زیرا تکلیف دعاوی که بر اساس اضطرار طرح یا از آن دفاع می شود در هر صورت باید معلوم گردد و جای خالی قانونی که بر اساس غفلت یا بی توجهی قانون گذاران به مفهوم اضطرار به وجود آمده باید به وسیله رویه قضایی پر شود دادگاه های انگلیس برای توجیه عمل مضطر در حالت اجبار روحی بوده و قدرت مقاومت نداشته است به همین مناسبت در رویه قضایی این کشور به نحوی که ملاحظه خواهد شد اصطلاحات اضطرار و اجبار غالبا به جای یکدیگر استعمال شده اند (اعتمادی، ۱۳۸۴).

وقتی خواسته یا ناخواسته به دیگری ضرر وارد می شود و بحث مسئولیت زیان زننده یا نحوه جبران آن مطرح می شود همانطور که می دانیم بسیاری از مقررات مربوط به مسئولیت و سابقه فقهی آن، اختلاط بین مسئولیت مدنی و کیفری و مطرح شدن این مسایل توسط فقها در بین مباحث جزائی در قانون مجازات اسلامی مطرح شده است. اضطرار اگرچه ممکن است طبق قواعد دیگر مسئولیت مدنی مضطر مکلف به جبران خسارت باشد ولی رافع مسئولیت است. در کشورهای حقوقی کامن لا، نظیر انگلیس، نیز اضطرار، مسئولیت جبران خسارات کامل بر مبنای شبه جرم را منتفی می سازد، مگر اینکه مضطر در ارتکاب عمل زیانبار مرتکب تقصیر شده باشد؛ ولی در هر مورد خواننده باید ثابت کند که در آن اوضاع، به طور معقولانه ای عمل کرده است. با این وصف مضطری که مرتکب جرم شده مسئولیت کیفری ندارد و این شخص از مجازات معاف است؛ اما مسئولیت مدنی او بر اساس قواعد چون لاضرر، اتلاف، تسبیت، غرور، ضمان تعدی و تفریط و قانون مدنی و مسئولیت مدنی به حال خود باقی است و طبق قواعد فوق و قانون مدنی، مسئولیت مدنی ایران، هر ضرر و زیان که وارد کرده است باید جبران نماید. قانون گذار هرچند که عامل ورود آن مقصر نباشد هیچ ضرری را جبران نشده باقی نمی گذارد. اضطرار حکم تکلیفی را بر می دارد، بدین معنا که شخص مضطر مرتکب فعل حرام نشده است تا گناهکار شناخته شود و مجازات هم نمی شود، اما حکم وضعی سر جای خود باقی است یعنی در صورت ورود خسارت به دیگری باید جبران شود. بر اساس آنچه در مباحث پیشین گذشت، می توان جمع بندی خلاصه ای را به شرح ذیل به دست داد

۱- اضطرار، وضعیت ضرر آفرینی است که انسان برای گریز از آن، چاره ای جز ارتکاب عمل زیانبار دیگر ندارد و ملاک عمل در اقدام اضطراری، ترجیح ضرر خفیف بر ضرر شدید است (دفع افسد به فاسد).

۲- حقیقت اضطرار، بر تزام ضرورت ها استوار است و انسان به سبب عدم قدرت در التزام عملی و همزمان به ضرورت های متفاوت، ناگزیر، ضرورتی را بر ضرورت دیگر ترجیح می دهد و در این میان با قبول ضرری، از بروز ضرر بزرگتر و مهمتری جلوگیری می کند.

۳- تحقق خارجی وضعیت اضطرار در شرایط مختلف و نسبت به اشخاص مختلف، متفاوت است. لذا احراز و اثبات آن، امری نسبی است که کاملاً متکی به اوضاع و احوال خارجی است. با این حال و در عین شخصی بودن شرایط اضطراری، می توان با تحویل عمل اضطراری به ضرورت های متزاحم، هریک از ضرورت ها را مستقلاً مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار داد و نهایتاً با قیاس میان آنها، ضرورت برتر و ارجح را تشخیص و بر اساس آن حکم کرد.

۴- درباره ی تأثیر اضطرار بر مسئولیت مدنی اشخاص، باید گفت که عمل اضطراری فی نفسه، نه موجب مسئولیت است و نه رافع مسئولیت و در شمار هیچ یک از موجبات و مسقطات ضمان محسوب نمی شود، بلکه اضطرار، صرفاً مجموعه ای از شرایط و اوضاع و احوالی است که مضطر در آن حالت، ناچار به عمل زیان بار می گردد و مسئولیت ناشی از عمل اضطراری نیز حسب مورد و بنا به شرایط مربوط، تعیین می شود. حداکثر خاصیت وضعیت اضطراری، در مباح ساختن محظورات است که این نیز مضطر را به طور مطلق از ضمان خارج نمی سازد. به عبارت دیگر، در عمل اضطراری، نه می توان مضطر را به طور مطلق از مسئولیت مبرا دانست و نه می توان به طور مطلق، با استناد به دلایلی چون: « اتلاف » و « تسبیب » وی را ضامن شمرد.

۵- اضطرار دارای دو چهره یا دو جنبه است. یکی « ایجاد ضرر » و دیگری « دفع ضرر » که هر دو باید در تحلیل نهایی عمل مضطر، مورد توجه قرار گیرد، زیرا تنها در این صورت است که می توان نقش شخص منتفع را در عمل اضطراری برجسته کرد و میزان مسئولیت او و مضطر را به نحو منطقی تر و عادلانه تری تعریف نمود. بنابراین، در تبیین مسئولیت مدنی مضطر، باید عنصر "انتفاع" را نیز مد نظر قرار داد.

۶- ضابطه ی کلی در رابطه ی میان اضطرار و مسئولیت مدنی، این است که آنچه موجب مسئولیت مضطر می گردد، نه عملی است که انجام داده، زیرا عمل وی مشروع و مباح بوده است، بلکه نتیجه ای است که به دست آمده است و بدیهی است که اگر در این میان، سود و منفعتی عاید شخصی غیر از مضطر گردد، شخص منتفع نیز در جبران خسارات ناشی از عمل اضطراری مسئول خواهد بود. در اینجاست که تئوری «دارا شدن غیر عادلانه» یا «استفاده بدون جهت» موضوعیت یافته و مبنای مسئولیت قرار می گیرد، به نحوی که بر دلیل اتلاف، که مسئولیت را فقط متوجه مضطر می سازد، غالب و حاکم می گردد.

۷- در مواردی که عمل اضطراری در جهت حفظ منافع عمومی و مصالح اجتماعی به وقوع می پیوندد، مسئولیت جبران خسارات ناشی از آن، متوجه کل جامعه می شود که دولت به نمایندگی از جامعه، عهده دار این وظیفه خواهد بود. در این رابطه، دلیلی وجود ندارد که مسئولیت هزینه هایی که صرف منافع عمومی می شود، تنها بر عهده کسی قرار گیرد که پیشتاز حفظ و دفاع از مصالح جامعه بوده یا ناخواسته در معرض آن قرار گرفته است، به ویژه اینکه اقدام او از الزام قانونی نیز برخوردار بوده باشد.

- آرامش، رسول (۱۳۸۸). *اضطرار و مسئولیت مدنی*، تهران، بهنامی.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۷۹). *حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر میزان.
- اعتمادی، فرهاد (۱۳۸۴). *دادگاه داورى ایران و آمریکا*، تهران، گنج دانش، چ ۱.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۰). *المکاسب*، بیروت، مؤسسه النور، چ ۱، ج ۸.
- البوزنو محمد صدقی، بن احمد (۱۴۳۲). *موسوعه القواعد الفقهیه*، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۱، ج ۵.
- النمله، عبدالکریم بن علی (۱۴۲۰). *الرخص الشرعیة (واثباتها بالقیاس)*، ریاض، مکتبه الرشد، چ ۲.
- حسینی عاملی، بیتا (۱۴۱۰). *المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه*، ج ۵ و ج ۱۴.
- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۸). *العناوین*، چ ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱). *کتاب البیع*، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱ و ۴.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۲). *استفتاءات (امام خمینی)*، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- خورشید، علی احمد (۱۳۸۷). "فرضیه تقصیر و فرضیه زیان احتمالی مسئله مسئولیت در حقوق فرانسه"، *مجله کانون وکلا*، شماره ۷۴.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷). *مصباح الاصول*، تقریر بحث، محمد سرور حسین بهسودی، چ ۷، قم، مکتبه الداوری، ج ۲.
- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب اله (۱۳۹۶). *مسئولیت مدنی*، چ ۱۰، تهران انتشارات سمت.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). *نهایت فلسفه (ترجمه نهایی الحکمه)*، قم، موسسه بوستان کتاب.
- عسگرزاده علیرضا (۱۳۸۸). *کتاب بیمه های مسئولیت و طرح های خاص*.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی*، چ ۹، ج ۱، قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، ایزانلو، محسن (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی*، جلد سوم: بیمه مسئولیت مدنی، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱). *بایسته های حقوق جزای عمومی*، تهران، میزان، چ ۲۲.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۸). *فلسفه اخلاق*، ترجمه رحمتی انتشارات حکمت، چ ۱.
- محمصانی، صبحی رجب (۱۳۸۶). *فلسفه قانون گذاری در اسلام*، تهران، آثار اندیشه، چ ۱.
- معین، محمد (۱۳۷۷). *فرهنگ معین*، چ ۱۲، ج ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی الشرح شرایع الاسلام*، دار الاحیاء، التراث العربی، بیروت، چ ۷، ج ۴۳.
- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۷). *جواهر الکلام*، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۲، ۳۷، ۴۲ و ۴۳.
- نوربها، رضا (۱۳۶۹). *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز.
- نوربها، رضا (۱۳۹۰). *حقوق جزای عمومی*، تهران، راهنما، چ ۲۹.

- Elliott, Catherine and Quinn (2009). *Frances, Contract Law*, 7 Pearson Education Limited. Edinburgh Gate
- Johnson and Higgins (2002). *Aneco Reinsurance Underwriting Ltd. V. 2*.
- Cooke, John (2009). *Law of Tort*, 9th ed., London, Pearson Education Limited.
- Whytock Christopher Foreign State Immunity (2013). Boston University Law Review, Vol. 93: pp 2033-2051.